



فصلنامه اقتصاد کاربردی
دوره ۹، شماره ۳۰ و ۳۱، پاییز و
زمستان ۱۳۹۸

تبیین آثار سیاست مالی و کسری بودجه بر رشد اقتصادی در ایران: نامتقارنی و غیرخطی بودن

سید علی‌رضا علوی باجگانی^۱، کامبیز پیکارجو^۲، کامبیز هژبر کیانی^۳ و تقی ترابی^۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۷

چکیده:

سیاست مالی به دلیل توانایی آن در تحقق اهداف اصلی ثبات اقتصاد ملی، نقش مهمی در سیاست‌گذاری اقتصادی دارد. ابزارهای سیاست مالی، یکی از اصلی‌ترین ابزارهای اقتصادی برای دست‌یابی به رشد اقتصادی و غلبه بر موانع ثبات اقتصادی در نظر گرفته شده است. علاوه بر تأثیرات توزیعی و تخصیصی سیاست مالی دارای اثرات پایداری مانند مخارج دولت و مالیات‌هایی است که تقاضای کل را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از این طریق متغیرهای کلی اقتصادی و رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این‌رو هدف این مطالعه بررسی اثرات غیرخطی سیاست مالی بر رشد اقتصادی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۶۷ (داده‌های فصلی) با رویکرد الگوی غیرخطی (نامتقارن) خود رگرسیون با وقفه‌های گسترده (NARDL) است. نتایج نشان داد که در ایران کسری بودجه اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. براساس سایر نتایج این مطالعه، شوک‌های مثبت مخارج جاری دولت اثر مثبت و شوک‌های منفی اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. براساس سایر نتایج این مطالعه، اثرات مخارج جاری دولت بر رشد اقتصادی نامتقارن بوده است، اما این تأثیر بر مالیات متقارن بوده است.

کلید واژه: سیاست مالی، کسری بودجه، رشد اقتصادی، اثرات غیرخطی، خود رگرسیون با وقفه‌های گسترده غیرخطی (NARDL)

طبقه‌بندی: JEL: C14, O47, H62, E62

^۱ دانش آموخته دوره دکتری رشته اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. ایمیل: seyedalirezaalavi12@gmail.com

^۲ استادیار اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول). ایمیل: k.peykarjou@srbiau.ac.ir

^۳ استاد اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. ایمیل: kianikh@yahoo.com

^۴ دانشیار اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. ایمیل: taghi.torabi100@gmail.com

مقدمه

رشد یک مفهوم اساسی در مطالعات توسعه است. رشد اقتصادی را می‌توان به عنوان روند گسترش مداوم در تولید در یک دوره زمانی مشخص توصیف کرد که به توسعه اقتصادی کمک می‌کند. توسعه اقتصادی به بالا بردن سطح زندگی و استانداردهای مردم کمک می‌کند. عملکرد اقتصادی بهتر با اعمال سیاست‌های کلان اقتصادی مناسب به دست می‌آید. بنابراین مکانیسم دولت در تعیین سیاست‌هایی که موجب رشد اقتصادی و ثبات برای کشور می‌شود، بسیار مهم است. شماری از اقتصاددانان سیاست دولت محتاطانه را به عنوان عاملی مهم در بهبود عملکرد اقتصادی مورد اعتبار قرار داده‌اند (آبل و همکاران^۱، ۲۰۱۴). دولت همچنین به عنوان تولیدکننده و مصرف‌کننده، با ارائه کالاها و خدمات عمومی، نقش اساسی در اقتصاد دارد (لینو^۲، ۲۰۱۹). از مهم‌ترین ابزارها و سیاست‌های دولت برای دخالت در اقتصاد، سیاست‌های مالی بوده است (سوه^۳، ۲۰۱۵). بررسی تأثیر سیاست مالی بر رشد اقتصادی در پی بحران مالی جهانی اخیر، توجه جدیدی را به خود جلب کرده است. تجزیه و تحلیل نقش مالیات‌ها و مخارج عمومی به عنوان عامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی، هم‌چنان در ادبیات نظری و تجربی مورد بحث قرار می‌گیرد. مدل‌های رشد نئوکلاسیک نشان می‌دهد که مالیات و هزینه‌ها هیچ تأثیری در رشد اقتصادی بلندمدت ندارند اما ممکن است اثرات انتقالی بر روی سطح تولید داشته باشد (سولو^۴، ۱۹۵۶). در مقابل، مدل‌های رشد درون‌زا پیش‌بینی می‌کنند که سیاست مالی می‌تواند هم اثرات انتقالی و هم دائمی بر رشد اقتصادی داشته باشد (بارو^۵، ۱۹۹۰). با این حال اثرات انواع مختلف ابزارهای سیاست‌های بر رشد اقتصادی، ناهمگن و مورد بحث بوده است (جونز و مانولی^۶، ۲۰۰۵). مخارج عمومی ممکن است در قالب سرمایه‌گذاری به رشد تولید کمک کنند، اما مخارج مصرفی، می‌تواند هیچ تأثیری نداشته باشد یا اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته باشد (رامی^۷، ۲۰۱۱). طبق همین استدلال، انحراف از مالیات بهینه می‌تواند اثرات منفی قابل توجهی بر نرخ رشد در مدل‌های رشد درون‌زا داشته باشد (بیکتی و همکاران^۸، ۲۰۱۴). مطالعات تجربی نشان داده‌اند که کدام نوع مالیات و هزینه برای رشد اقتصادی مهم است. لی و گوردون^۹ (۲۰۰۵) بر روی نرخ‌های بالای مالیاتی تمرکز می‌کنند و شواهدی ارائه

می‌دهند که نرخ‌های بالای مالیاتی شرکت‌ها بر رشد اقتصاد تأثیر منفی می‌گذارد. مالیات از سویی دیگر تصمیم خانوارها را در مورد میزان پس‌انداز، عرضه نیروی کار، میزان سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و همچنین تصمیم‌گیری بنگاه‌ها را در مورد میزان تولید، خلق موقعیت‌های شغلی جدید، سرمایه‌گذاری و نوآوری، و نیز تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران را در مورد کانال‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری تحت تأثیر قرار می‌دهد و برآیند نهایی این تأثیر مبهم و پیچیده خواهد بود (راویس^{۱۰}، ۲۰۰۳). تمرکز بر سیاست‌های مالی به همراه ارائه پشتوانه‌های نظری و تجربی مناسب، در فضای اقتصادی کنونی به روشنی به عنوان یک ضرورت تلقی می‌شود. از سوی دیگر براساس شواهد تجربی و نظری در زمینه رابطه بین سیاست مالی و رشد اقتصادی، متناقض است و تابع شرایط اقتصادی و چگونگی تأمین مالی آن و وضعیت اقتصاد کلان در دوره زمانی مورد تحلیل است. از این‌رو، شناخت چگونگی روابط دقیق بین کسری بودجه و رشد اقتصادی در هر اقتصادی مستلزم انجام مطالعات تجربی است. با توجه به این موضوع، هدف این مطالعه بررسی اثرات غیرخطی سیاست مالی بر رشد اقتصادی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۶۷ (داده‌های فصلی) با رویکرد ARDL غیرخطی^{۱۱} است.

ادبیات تحقیق

ادبیات گسترده‌ای در زمینه تأثیر سیاست مالی بر رشد اقتصادی در اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارد. تأثیر سیاست مالی بر رشد اقتصادی بسته به منابع کشور، فضا، جمعیت، سیستم مالیاتی، مخارج و درآمدهای دولت متفاوت است (چیپی و بتهار^{۱۲}، ۲۰۱۰). بن بوزیان^{۱۳} و چیپی (۲۰۰۷) نشان دادند که مخارج عمومی در کوتاه‌مدت تأثیر مثبت بر تولید ناخالص داخلی ایجاد کرده است، اما در میان مدت، اثر منفی غالب است. تأثیر این شوک ساختاری بر نرخ تورم، بهره، مصرف و حجم هزینه‌های عمومی مثبت بوده است. خالوت^{۱۴} (۲۰۰۴) با شناسایی فنون و معیارهای سیاست مالی در پرداختن به عدم تعادل‌های مالی و اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و راه‌حل‌های آن‌ها، نقشی را که سیاست مالی در فعالیت‌های اقتصادی و دستیابی به هماهنگی بین ابزارهای سیاست‌های مالی و پولی ایفا می‌کند، برجسته می‌کند. در زمینه کسری بودجه و تأثیر آن بر رشد

زمانی ۲۰۱۰-۱۹۸۰ نشان دادند که در صورت افزایش رشد اقتصادی تا یک آستانه شاهد بهبود در کسری بودجه و بعد از این آستانه، با افزایش رشد اقتصادی کسری بودجه کاهش می‌یابد. در مقابل رحمان^{۲۰} (۲۰۱۲) در بررسی تاثیر کسری بودجه بر رشد اقتصادی مالزی، بیان می‌کند که هیچ رابطه معنی‌داری بین کسری بودجه و رشد اقتصادی وجود نداشته است. ارجمند و همکاران^{۲۱} (۲۰۱۶) تاثیر منفی کسری بودجه بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه MENA را نشان داده‌اند. لایکویز و همکاران^{۲۲} (۲۰۱۷) نیز در مطالعه‌ای برای کشورهای درحال توسعه، اثرات مثبت کسری بودجه بر رشد اقتصادی را نشان داده‌اند. لینیو^{۲۳} (۲۰۱۹) نیز در مطالعه‌ای دیگر برای میانمار طی دوره ۱۹۷۶ تا ۲۰۱۶ نشان داد که در کوتاه‌مدت، کسری بودجه تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد، اما در بلندمدت اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. در طول دهه‌های اخیر، در کنار مدل‌سازی نظری برای مالیات ستانی بهینه و ادبیات تجربی موجود درباره عوامل تعیین کننده در پرداخت مالیات، ادبیات پایه‌ای جداگانه‌ای برای بررسی تاثیر تکیه بر ابزارهای مالیاتی گوناگون از جنبه‌های مختلف در فعالیت‌های اقتصادی، از جمله رشد اقتصادی، شکل گرفته است. به طور کلی، مطالعات تجربی، نتایج قابل توجهی را برای بررسی اثر ابزارهای مالیاتی مختلف بر رشد اقتصادی به دست آورده‌اند. مجموعه مقالات قدیمی‌تر از جمله، اتکینسون و استرن^{۲۴} (۱۹۸۰)، پوترا و و همکاران^{۲۵} (۱۹۸۷)، اوکران^{۲۶} (۲۰۱۱) و ایسترلی و ربلو^{۲۷} (۱۹۹۳)، اثرات کوچک و بلند مدت مالیات‌ستانی بر رشد اقتصادی را مورد بررسی قرار داده‌اند. از طرف دیگر، مطالعات لی و سارته^{۲۸} (۲۰۰۴)، نر و همکاران^{۲۹} (۱۹۹۹)، پادووانو و گالی (۲۰۰۱)، اثرات قابل توجه ساختار مالیاتی بر رشد اقتصادی را نشان داده‌اند، کیم^{۳۰} (۲۰۰۳) شواهدی ارائه کرد که نشان می‌دهد، اتکای بیشتر مالیات‌ستانی بر مصرف، در مقابل مالیات بر درآمد، دارای اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی است. ادبیات موجود در زمینه اثر مالیات بر رشد اقتصادی، نتایج ترکیبی مربوط به اثرات مالیات بر مصرف را بر رشد اقتصادی تایید می‌کند. در عین حال، بعضی از نویسندگان، مانند عمران و استیگلیتز^{۳۱} (۲۰۰۵)، اثرات منفی مالیات مصرفی بر رشد اقتصادی و افراد دیگری مانند ربلو (۱۹۹۲)، و مندوزا و همکاران^{۳۲} (۱۹۹۷)، نیز مدارک و شواهدی یافته‌اند که مالیات

اقتصادی سه مکتب فکری عمده وجود دارد. برنهایم^{۱۵} (۱۹۸۹) یک رویکرد کینزی را توصیف کرد که کسری بودجه از طریق اثرات تکاثری که منجر به پس‌انداز بالاتر می‌شود، تقاضا برای پول را افزایش می‌دهد و باعث تحریک سرمایه‌گذاری می‌شود و رشد اقتصادی را به صورت مثبتی تحت تاثیر قرار می‌دهد. بنابراین کسری بودجه اثرات مطلوبی بر عملکرد کلی اقتصاد دارد و کسری بودجه در زمان و روش مناسب برای اقتصاد ضروری است (زوتا و بریشا^{۱۶}، ۲۰۱۶). در مقابل، اقتصاددان نئوکلاسیک ادعا می‌کنند که کسری بودجه رابطه معکوسی با رشد اقتصادی دارد. از نظر نئوکلاسیک‌ها، سرمایه‌گذاری خصوصی با کسری بودجه کاهش می‌یابد و در نتیجه تاثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد (برنهایم ۱۹۸۹). از سوی دیگر رویکرد ریکاردینی، بیان می‌کند که کسری بودجه هیچ تأثیر بر رشد اقتصادی در بلندمدت و کوتاه‌مدت ندارد؛ زیرا فقط پرداخت مالیات‌ها را به آینده سوق منتقل می‌کند. با گذشت زمان، اثرات سیاست بدهی دولت با انتقال خصوصی خنثی می‌شود؛ به طوری که کسری بودجه و تأمین مالی بدهی معادل هم می‌شوند. اختلاف بین تجزیه و تحلیل‌های مختلف با عواملی مانند زمان، کشور، نوع دولت و سطح کسری بودجه مشاهده می‌شود (زوتا و بریشا، ۲۰۱۶). بنابراین، کسری بودجه بسته به این‌که برای هزینه‌های تولیدی یا غیرتولیدی استفاده شود، می‌تواند اثرات مثبت، منفی یا خنثی داشته باشد. از سوی دیگر، ابل و همکاران^{۱۷} (۲۰۱۴) بیان می‌کنند کرد که قدرت اقتصاد یک کشور تنها به مخارج دولت بستگی ندارد بلکه به چگونگی هزینه منابع نیز بستگی دارد. مطالعات تجربی در زمینه تاثیر کسری بودجه تا حد زیادی متناقض هستند و نتایج متفاوتی ارائه کرده‌اند. ماجی و آچگلو^{۱۸} (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای تاثیر مثبت کسری بودجه بر رشد اقتصاد نیجریه را با رویکرد ARDL نشان داده‌اند. لاری رشد اقتصادی غنا را نشان داده است. فاطیما و همکاران^{۱۹} (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای به بررسی تاثیر کسری بودجه دولت بر رشد اقتصادی پاکستان طی دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۸۷ با روش ARDL پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که کسری بودجه، رشد اقتصادی پاکستان را به طور منفی و معنی‌داری تحت تاثیر قرار می‌دهد. هادیان و همکاران (۲۰۱۳) نیز در تحلیل رفتار کسری بودجه در ایران طی دوره

استفاده از الگوی رگرسیون انتقال ملایم (STR) طی دوره ۱۳۸۹-۱۳۶۹ پرداختند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داده که کسری بودجه در قالب یک ساختار دو رژیمی بر رشد اقتصادی ایران اثر گذاشته است؛ به نحوی که در دامنه‌های رکودی اقتصاد (رشد اقتصادی کمتر از ۳/۳۷ درصدی) سهم بزرگ‌تر کسری بودجه از تولید ناخالص داخلی، همگام با دیدگاه کینزی، اثر مثبت بر رشد اقتصادی و در دامنه‌های رونق اقتصاد (رشد اقتصادی بیشتر از ۳/۳۷ درصدی) همگام با دیدگاه نئوکلاسیکی، اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. خدایی و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به بررسی اثرات سیاست‌های مالی بر رشد اقتصادی در اقتصاد ایران با استفاده از مدل‌های حالت-فضای دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۶۷ پرداختند. براساس نتایج تحقیق اثر سیاست‌های مالی بر رشد اقتصادی ایران در کل دوره مورد بررسی، مثبت است و افزایش سرمایه‌گذاری زمینه‌ساز افزایش نرخ رشد اقتصادی است. همچنین اثرات مثبت سیاست‌های مالی بر نرخ ارز غیررسمی در طول زمان افزایش یافته است. به علاوه اثر سیاست مالی بر تورم در اقتصاد ایران مثبت است، به طوری که اثرات افزایشی فوق در دوره‌های رونق اقتصادی بیشتر است. در نهایت اینکه اثر سیاست‌های مالی دولت بر مخارج بخش خصوصی منفی است. نتایج تحقیق حاضر بیانگر تغییر روابط بین متغیرهای مدل در طول زمان است به طوری که شرایط حاکم بر اقتصاد کشور در نحوه اثرگذاری متغیرهای مدل بر یکدیگر اثرگذار است. دلالی اصفهانی و محمدی مطلق (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به بررسی تحلیل تاثیر سیاست‌های مالی توزیعی بین نسلی بر رشد اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۷۶ پرداختند. نتایج بدست آمده در رابطه با تاثیر سیاست‌های مالی توزیعی بر رشد اقتصاد دارای دو حالت متفاوت می‌باشد. حالت اول وقتی که نرخ هموار کننده مصرف کمتر از یک است، در این وضعیت با اعمال سیاست‌های مالی توزیعی به نفع گروه سنی جوان، اقتصاد با کاهش رشد اقتصادی مواجه می‌گردد و حالت دوم زمانی اتفاق می‌افتد که نرخ هموار کننده مصرف بیشتر از یک می‌باشد در این وضعیت اعمال سیاست‌های مالی توزیعی مذکور باعث افزایش رشد اقتصادی در ایران خواهد شد. همچنین افزایش نرخ رجحان زمانی و نرخ استهلاک در دو حالت یاد شده دارای نتایج یکسانی بوده و کاهش رشد اقتصادی را در بر خواهد داشت.

بر مصرف هیچ‌گونه اثری روی نرخ رشد اقتصادی ندارد و این یافته‌ها نیز با نتیجه‌گیری‌های هاربرگر^{۳۳} (۱۹۶۲)، هم جهت و هم‌خوان است. چیگبو و پیتر^{۳۴} (۲۰۱۴) نیز با استفاده از داده‌های سری زمانی طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۲ اثر درآمد مالیات بر ارزش افزوده کشور نیجریه را بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که با اینکه برآورد OLS اولیه اثر مثبت مالیات بر ارزش افزوده را بر رشد اقتصادی نشان می‌دهد اما آزمون انگل گرنجر حاکی از آن است که رابطه بین رشد اقتصادی و مالیات بر ارزش افزوده رگرسیونی کاذب است و رابطه‌ای بین این دو متغیر وجود ندارد. در حوزه داخلی نیز مطالعات زیر انجام گرفته است. تاری و ستاری (۱۳۸۴) در مطالعه‌ای تأثیر مخارج دولتی و مالیات‌ها بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپکو تأثیر متغیرهایی از قبیل مخارج دولت، مالیات‌ها، قیمت نفت و رشد نیروی انسانی بر رشد اقتصادی را با استفاده از تکنیک پانل دیتا در کشورهای عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در دوره زمانی ۱۹۹۸-۱۹۷۰، را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این مطالعه نشان داد که درآمدهای مالیاتی اثر مثبتی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه در سطح ۱۰ درصد خطا داشته است. براساس سایر نتایج این مطالعه اثر رشد سرمایه انسانی، مخارج دولت و قیمت نفت اثری مثبت و معنادار در سطح ۱ درصد خطا داشته است.

غفاری‌فرد و صادقی شاهدانی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای به بررسی اثر تمرکززدایی مالی (یا درآمد مالیاتی) بر رشد اقتصادی استان‌ها مختلف ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۷۹ به روش حداقل مربعات تعمیم یافته پرداختند. نتایج تجربی مطالعه نشان داد که بین تمرکززدایی از اعتبارات عمرانی ملی و تمرکززدایی از اعتبارات عمرانی تخصیصی به استان و رشد اقتصادی استان‌ها یک رابطه خطی مثبت وجود دارد به نحوی که با افزایش یک درصد در تمرکززدایی مالی، رشد اقتصادی استان‌ها تا ۰/۶ درصد افزایش می‌یابد اما بین تمرکززدایی درآمدی و رشد اقتصادی استان‌ها، یک رابطه غیرخطی برقرار است. اگر تمرکززدایی درآمدی در استان‌ها تا سطح ۸۵ درصد افزایش یابد، می‌توان رشد اقتصادی استان‌ها را افزایش داد.

جعفری صمیمی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای به بررسی تاثیر نامتقارن کسری بودجه بر رشد اقتصادی ایران با

برخوردار است. با هدف بررسی اثرات نامتقارن سیاست مالی بر رشد اقتصادی در ایران، تکانه‌های مثبت و منفی متغیرهای مستقل (مخارج جاری دولتی و مالیات) مورد نظر استخراج می‌شود. به عنوان مثال، تکانه‌های مثبت مالیات $(Tax^+)_P(Tax)$ براساس تعریف گرنجر و یون (۲۰۰۲) به صورت مجموع تجمعی مثبت (اجزاء مثبت مالیات) تعریف و به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$Tax_t^+ = \sum_{1367}^{1395} \Delta Tax_t^+ = \text{Max}(\Delta Tax, 0) \quad (1)$$

تکانه‌های منفی مالیات $(Tax^-)_P(Tax)$ براساس تعریف گرنجر و یون (۲۰۰۲) به صورت مجموع تجمعی منفی (اجزاء منفی مالیات) تعریف و به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$Tax_t^- = \sum_{1367}^{1395} \Delta Tax_t^- = \text{Min}(\Delta Tax, 0) \quad (2)$$

پس از استخراج تکانه‌های مثبت و منفی در نهایت مدل به صورت زیر برآورد خواهد شد:

$$LGDP_t = \sum_{j=1}^p \phi_j GDP_{t-j} + \sum_{j=0}^q (\theta_j^+ X_{t-j}^+ + \theta_j^- X_{t-j}^-) + \varepsilon_t \quad (3)$$

که X بیان‌گر طیفی از متغیرهای موثر بر رشد اقتصادی در ایران است. به طوری که:

$$LGDP_t = f(Tax^+, Tax^-, GE^+, GFE^+, INV, DT, BD, INF) \quad (4)$$

معرفی متغیرها و داده‌ها

در این تحقیق متغیر لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی (LGDP) به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای لگاریتم درآمد مالیاتی و لگاریتم مخارج جاری دولتی که به ترتیب با LTAX و LGE نشان داده شده‌اند، به عنوان متغیرهای توضیحی مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر متغیرهای توضیحی فوق از سه متغیر نرخ تورم فصلی (INF)، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بعنوان متغیر سرمایه‌گذاری (INV) و درجه باز بودن اقتصاد به عنوان متغیر تجارت خارجی (DT) و کسری بودجه (BD) به عنوان متغیرهای کنترل استفاده شده است. داده‌ها به صورت فصلی برای دوره ۱۳۶۷:۲ - ۱۳۹۵:۴ به روش کتابخانه‌ای و از پایگاه اطلاعاتی از جمله سایت بانک مرکزی ایران جمع‌آوری شده است. شرح مبسوطی از متغیرهای مورد استفاده در جدول (۱) آمده است.

براساس مطالعات انجام گرفته به نظر می‌رسد که شواهد تجربی پیرامون رابطه بین سیاست مالی و رشد اقتصادی جهت‌گیری یکسانی ندارند و اظهار یک رابطه جامع بین این دو متغیر، براساس این مطالعات امکان‌پذیر نیست. آنچه که می‌توان بیان نمود این است که رابطه بین سیاست مالی بودجه و رشد اقتصادی تابع شرایط اقتصادی و چگونگی تأمین مالی آن و وضعیت اقتصاد کلان در دوره‌ی زمانی مربوطه خواهد بود. از این‌رو، شناخت چگونگی روابط دقیق بین کسری بودجه و رشد اقتصادی در هر اقتصادی مستلزم انجام مطالعات تجربی است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این مطالعه از شکل خاصی از روش NARDL استفاده خواهد شد که اخیراً توسط شین و همکاران^{۳۵} (۲۰۱۴) توسعه یافته است. این روش می‌تواند هم‌جمعی نامتقارن و غیرخطی بین متغیرها را به تصویر بکشد و در نتیجه قادر به بررسی اثرات نامتقارن و غیرخطی بلندمدت و کوتاه‌مدت بخش کشاورزی بر شهرنشینی است. روش NARDL، شکل خاصی از فرمت ARDL خطی پسران و همکاران (۲۰۰۱) است که امکان بررسی عدم تقارن در روابط بلندمدت و کوتاه‌مدت بین متغیرها را فراهم می‌آورد. مزیت روش NARDL نسبت به سایر روش‌های هم‌جمعی این است که کارایی آن در مدل‌های دارای مشاهدات کم، بالاتر است. هم‌چنین این روش برای حالتی که متغیرهای توضیحی مدل درون‌زا باشند نیز کاربرد دارد (آلام و کوازی، ۲۰۰۳). این روش جدید مزیت‌هایی دارد: نخست اینکه این آزمون را می‌توان صرف‌نظر از اینکه متغیرهای مدل کاملاً $I(0)$ و $I(1)$ یا ترکیبی از هر دو باشند، به کار برد. دوم اینکه، این روش پویایی‌های کوتاه‌مدت را در بخش تصحیح خطا وارد نمی‌کند (بنرجی^{۳۶} و همکاران، ۱۹۹۳). سومین مزیت آن است که این روش را می‌توان با تعداد مشاهدات اندک نیز به کاربرد (نارایان^{۳۷}، ۲۰۰۴) و در نهایت استفاده از این روش حتی زمانی که متغیرهای توضیحی درون‌زا هستند، ممکن می‌باشد (آلام^{۳۸} و کوازی، ۲۰۰۳). استفاده از مدل NARDL علاوه بر تجزیه و تحلیل غیرخطی روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت میان متغیرها از قابلیت مدل‌سازی عدم تقارن موجود میان متغیرها

جدول ۱- معرفی متغیرهای مورد استفاده در تخمین

متغیر	نماد	شرح	مأخذ جمع‌آوری داده
لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی	LGDP	لگاریتم تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت ۱۳۸۳	بانک مرکزی
لگاریتم درآمد مالیاتی	LTAX	لگاریتم مالیات‌های دریافتی	بانک مرکزی
لگاریتم مخارج جاری دولت	LGE	لگاریتم هزینه مصرف نهایی بخش دولتی	بانک مرکزی
نرخ تورم	INF	نرخ رشد شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی	بانک مرکزی
سرمایه‌گذاری کل	INV	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	بانک مرکزی
درجه باز بودن اقتصاد (تجارت خارجی)	DT	مجموع واردات و صادرات به تولید ناخالص داخلی	بانک مرکزی
کسری بودجه	BD	تفاضل درآمدهای عمومی دولت از پرداخت‌های دولتی	بانک مرکزی

نتایج آزمون‌های پایایی

اولین اصل در برآورد مدل رگرسیونی بررسی مانایی متغیرها است. با توجه به این که اکثر متغیرهای سری زمانی کلان اقتصادی نامانا هستند. بنابراین، طبق نظریه هم‌جمعی در اقتصادسنجی، لازم است برای اجتناب از مشکل رگرسیون کاذب در تحلیل رگرسیون، نسبت به مانایی متغیرها اطمینان

حاصل کرد. بدین منظور، متغیرهای مورد بررسی در این مطالعه باید با استفاده از آزمون ریشه واحد دیکی-فولر تعمیم یافته (ADF) مورد آزمون قرار بگیرند و درجه جمعی آنها مشخص شود. جدول (۲) و جدول (۳) به ترتیب نتایج آزمون ریشه واحد ADF برای سطح داده‌ها و تفاضل مرتبه اول آنها را نشان می‌دهد.

جدول ۲- نتایج آزمون ADF روی سطح متغیرها

متغیر	آماره آزمون	p-value	نتیجه
LGDP	-۱/۲۶	۰/۶۵	نامانا
LTax+	۲/۱۸	۰/۹۹	نامانا
LTax-	۲/۶۳	۰/۹۹	نامانا
LGE+	۰/۳۴	۰/۹۷	نامانا
LGE-	-۰/۰۴	۰/۹۵	نامانا
DT	-۰/۴۶	۰/۸۹	نامانا
BD	-۰/۸۵	۰/۷۹	نامانا
INF	-۳/۴۴	۰/۰۱	مانا
INV	-۱/۳۱	۰/۶۳	نامانا

منبع: نتایج تحقیق

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، برای کلیه متغیرهای تحقیق بجز نرخ تورم، قدر مطلق آماره محاسبه شده ADF از مقادیر بحرانی کوچکتر است می‌توان نتیجه گرفت که این متغیرها در سطح نامانا هستند. متغیر نرخ تورم نیز در سطح مانا است. نتایج آزمون مانایی برای تفاضل اول مرتبه اول متغیرهای نامانا در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون ADF روی تفاضل مرتبه اول متغیرها

متغیر	آماره آزمون	p-value	نتیجه
LGDP	-۸/۵۷	۰/۰۰	مانا
LTax+	-۳/۹۶	۰/۰۰	مانا
LTax-	-۳/۳۸	۰/۰۱	مانا
LGE+	-۱۳/۱۱	۰/۰۰	مانا
LGE-	-۱۲/۸۵	۰/۰۰	مانا
DT	-۱۴/۸۳	۰/۰۰	مانا

مانا	۰/۰۰	-۹/۳۹	BD
مانا	۰/۰۰	-۴/۳۹	INV

منبع: نتایج تحقیق

وقفه‌های گسترده (ARDL) استفاده کرد. البته روش غیرخطی ARDL برای داده‌های مانا از درجه یک نیز قابل استفاده است. برای بررسی رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل می‌توان از آزمون کرانه‌های پسران، شین و اسمیت (۲۰۰۱) مبتنی بر رویکرد تخمین مدل تصحیح خطای غیرمقیمد (UECM) استفاده کرد. در ابتدا باید طول وقفه بهینه تعیین شود. براساس معیار شوارتز-بیزین طول وقفه بهینه با توجه به جدول زیر ۱ است.

جدول ۴- تعیین وقفه بهینه

درجه	معیار شوارتز-بیزین
۰	-۲۵۹۴/۰۰
۱	-۲۱۹۸/۸۷
۲	-۲۲۰۰/۲۰
۳	-۲۲۱۲/۶
وقفه بهینه: p=1	

منبع: نتایج تحقیق

عدد یک از مجموع ضرایب با وقفه متغیر وابسته کسر و بر مجموع انحراف معیار ضرایب مذکور تقسیم شود.

$$t = \frac{\sum_{i=1}^p \hat{\phi}_i - 1}{\sum_{i=1}^p S_{\hat{\phi}_i}} \quad (۶)$$

آماره آزمون بدست آمده از اعمال قید فوق بر مدل برابر با ۴/۴۳ است. بدون توجه به اینکه متغیرهای مذکور I(0) یا I(1) هستند آماره مذکور دارای توزیع نرمال نیست. از این رو با مقادیر بحرانی ارائه شده توسط پسران، شین و اسمیت (۲۰۰۱) مقایسه می‌شود. همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، حد بالا و پایین مقادیر بحرانی در سطح ۹۵ درصد در بازه ۲/۳۹-۳/۳۸ قرار می‌گیرد.

جدول ۵- نتایج آزمون F (باند) برای وجود رابطه بلندمدت غیرخطی

در سطح ۹۰ درصد		در سطح ۹۵ درصد		آماره F
I(0)	I(1)	I(0)	I(1)	
۲/۴۵	۳/۵۲	۲/۸۶	۴/۰۱	۴/۴۳

منبع: نتایج تحقیق

متغیرهای الگو از رویکرد مدل سازی پسران و شین (۱۹۹۹) و مدل تصحیح خطای غیرمقیمد (UECM) استفاده می‌شود. در مدل UECM، ضرایب بلندمدت از تقسیم ضرایب متغیرهای

با توجه به جدول (۳) می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای نامانا با یک بار تفاضل‌گیری مانا می‌شوند؛ یعنی انباشته از درجه یک یا I(1) هستند.

با توجه متفاوت بودن درجه مانایی متغیرهای مورد بررسی، برای تخمین یک مدل ابتدا باید هم‌جمعی یا رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به این که سری‌های زمانی مورد استفاده برخی I(0) و برخی I(1) هستند، بنابراین می‌توان از روش خود توضیح برداری با

با استناد به طول وقفه بهینه، با استفاده از نرم‌افزار ایویوز و روش OLS مدل تخمین زده می‌شود.

پس از برآورد رگرسیون فوق جهت حصول اطمینان از وجود رابطه بلندمدت قید زیر را اعمال می‌شود.

$$H_0: \sum_{i=1}^p \phi_i - 1 \geq 0 \quad (۵)$$

$$H_a: \sum_{i=1}^p \phi_i - 1 < 0$$

فرضیه صفر بیانگر عدم وجود هم‌جمعی یا رابطه بلندمدت است، چون شرط این که رابطه پویای کوتاه مدت به سمت تعادل بلندمدت گرایش یابد، آن است که مجموع ضرایب کمتر از یک باشد. برای انجام آزمون مورد نظر باید

با توجه به اینکه آماره آزمون بیشتر از مقادیر بحرانی ارائه شده در جدول بالا است، فرضیه عدم وجود رابطه بلندمدت میان متغیرهای الگو رد می‌شود. برای تخمین رابطه بلندمدت بین

توضیحی بر وقفه سطح اول متغیر وابسته (با یک علامت منفی) به دست می‌آید.

جدول ۶- نتایج حاصل از رابطه بلندمدت (متغیر وابسته LGDP)

نتیجه	آماره t	ضریب	متغیر
بی‌معنی	-۰/۱۴۶	-۰/۰۰۵۳	LTax+
بی‌معنی	-۰/۶۳۲	-۰/۰۱۸۸	LTax-
معنادار	۲/۶۸	۰/۲۷۵	LGE+
معنادار	-۱۴/۶۳	-۰/۱۶۱	LGE-
معنادار (در سطح ۱۰ درصد خطا)	-۱/۸۲	-۰/۰۰۳۷۷	INF
معنادار (در سطح ۱۰ درصد خطا)	۱/۶۸	۰/۱۵۳۷	DT
معنادار	۲/۴۷	۰/۲۲۰۹	INV
معنادار	-۲/۲۶	-۰/۰۲۰۲	BD
معنادار	۹/۸۰۱	۹/۹۲۱	C

منبع: نتایج تحقیق

به صورت منفی تحت تاثیر قرار دهد و رشد اقتصادی را به صورت منفی متاثر کند.

براساس سایر نتایج، تاثیر شوک‌های مثبت مخارج جاری دولت بر رشد اقتصادی مثبت بوده است؛ اما شوک‌های منفی مخارج جاری دولتی نرخ‌های رشد بالا، تاثیر مخارج مصرفی بر رشد اقتصادی منفی و معنی‌دار بوده است. این نتایج بیان‌گر این است که در نرخ‌های پائین رشد اقتصادی، مخارج دولتی به عنوان یکی از عناصر تزریقات (در تابع درآمد ملی)، عاملی در جهت تعیین سطح تقاضای کل و در پی آن، سطح تعادل درآمد ملی است؛ اما به تدریج و در مقادیر بالای رشد اقتصادی، مخارج مصرفی دولت از منظر کارایی و بهره‌وری در سطح پائینی قرار خواهد گرفت و تاثیرات منفی بر رشد خواهد گذاشت.

هم‌چنین اثر تجارت خارجی بر رشد اقتصادی نیز مثبت و معنی‌دار بوده است. روابط تجاری که هر کشور در سطح بین‌الملل داراست می‌تواند بر رشد اقتصادی آن کشور تأثیرگذار باشد، این روابط منجر به کارگیری عوامل تولید در بین بخش‌هایی از اقتصاد هر کشور می‌شود که از مزیت بیشتری برخوردارند و این امر منجر به بهبود بازدهی کل عوامل تولید و تولید ناخالص داخلی هر کشور می‌گردد. میزان تأثیرگذاری تجارت بر بهره‌وری کل عوامل تولید و به دنبال آن بر رشد اقتصادی زمانی قوی‌تر خواهد بود که توأم با انباشت سرمایه انسانی در یک کشور باشد. به عبارتی بهره‌مندی از

نتایج برآورد نشان می‌دهد که بجز متغیر مالیات سایر متغیرهای تحقیق اثر معنی‌داری بر رشد اقتصادی در سطح ۹۰ و ۹۵ درصد اطمینان دارند.

براساس سایر نتایج این مطالعه، تاثیر سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی مثبت بوده است. سرمایه‌گذاری با جذب فناوری، مواد اولیه و در نتیجه بالابردن سطح مهارت‌ها و تخصص نیروی کار و افزایش قابلیت‌های آن می‌تواند موجب ارتقای کمی و کیفی تولید شده و کارایی استفاده از سرمایه‌های مادی را بالا برد. نیروی کار ماهر و برخوردار از دانش و تخصص بخش اعظم عوامل تولید و اقتصاد مبتنی بر دانش را تشکیل می‌دهد.

براساس سایر نتایج این مطالعه، تورم تاثیر منفی و معنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته است. تورم بالا نااطمینانی به وجود می‌آورد که باعث تغییر اساسی در سیاست‌های اقتصادی می‌شود. اما تصمیم‌گیری کارا در بازار اقتصادی بستگی به سیگنال‌های قیمتی واضح و آشکار دارد و نیز بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها درباره مصرف و سرمایه‌گذاری ارتباط نزدیک با ساختار انتظارات قیمتی دارد. به هر حال در مورد نااطمینانی درباره قیمت‌های آینده، ارزش حقیقی پرداخت‌ها و دریافتی‌های آینده به سمت نااطمینانی می‌رود. مجموع این عوامل می‌تواند تصمیم‌گیری عاملان اقتصادی را

که کسری بودجه باعث کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود، ذخایر سرمایه با سرعت کمتری رشد پیدا می‌کند و در نتیجه رشد اقتصادی به صورت منفی تحت تاثیر قرار می‌گیرد. در طی یک تا دو سال، این اثر جبرانی در سرمایه‌گذاری، اثر قابل اغمازی را بر ذخایر سرمایه بر جای می‌گذارد. اما اگر کسری بودجه به روند خود برای یک یا بیش از یک دهه ادامه دهد، می‌تواند به نحو محسوسی ظرفیت اقتصاد را برای تولید کالاها و خدمات کاهش دهد.

پس از اطمینان از وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای اقتصادی، می‌توان از الگوهای تصحیح خطا (ECM) استفاده کرد. این الگوها بین نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها و مقادیر تعادلی بلندمدت آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. با استفاده از این الگوها نیروهای موثر در کوتاه‌مدت و سرعت نزدیک شدن به بلندمدت اندازه‌گیری می‌شود. ضریب جمله ECM نشان می‌دهد که در هر دوره، چند درصد از عدم تعادل کوتاه‌مدت رشد اقتصادی برای رسیدن به تعادل بلندمدت تعدیل می‌شود؛ به عبارت دیگر، این ضریب نشان می‌دهد که چند دوره طول می‌کشد تا رشد اقتصادی به روند بلندمدت خویش برگردد. جدول (۷) نتایج حاصل از تخمین مدل تصحیح خطا را نشان می‌دهد.

جدول ۷- نتایج حاصل از معادله تصحیح خطا (متغیر وابسته LGDP)

متغیر	ضریب	آماره t	نتیجه
dLTax+	۰/۰۰۰۶۶	۰/۰۲۲	بی‌معنی
dLTax-	۰/۰۱۳۳	۰/۴۱۸	بی‌معنی
dLGE+	۰/۰۷۲۰	۱/۲۵	بی‌معنی
dLGE-	۰/۱۰۲۷	۱/۶۴	معنادار
dINF	۰/۰۰۰۶۳	۰/۴۶۷	بی‌معنی
ddT	۰/۱۳۵۹	۲/۹۸	معنادار
dINV	۰/۰۸۲	۱/۷۸	معنادار
dBDD	۰/۰۰۰۰۳۲	۱/۶۴۳	معنادار
Ecm(-1)	-۰/۵۱	-۵/۶۵	معنادار
$R^2=۰/۸۲$		$F=(۲۶ (۰/۰۰))$	

منبع: نتایج تحقیق

برگردد. این از آن جهت است که اگر شوکی به رشد اقتصادی وارد شود، ۵۱ درصد آن در فصل اول تعدیل و ۴۹ درصد باقیمانده نیز در فصل دوم تعدیل و متغیر به روند بلند مدت خویش باز می‌گردد.

تجارت برای کشورهای برخوردار از مهارت بیشتر، نسبت به کشورهای دارای مهارت کم به مراتب بیشتر است. ترکیب سرمایه‌انسانی و تجارت عملاً کارایی بالاتر بخش‌های تجاری کشورها را نشان می‌دهد و بر رشد اقتصادی کشورها اثر قوی‌تری ایجاد می‌کند.

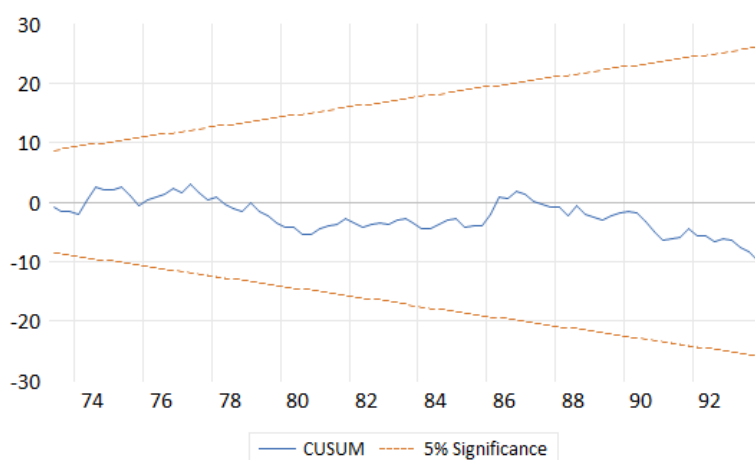
در نهایت بر اساس نتایج جدول (۶)، تاثیر کسری بودجه بر رشد اقتصادی اگرچه اندک اما منفی و معنی‌دار بوده است. در حالت کلی کسری بودجه دارای اثرات متعددی در کوتاه‌مدت و بلندمدت بر رشد اقتصادی می‌باشد. بال و منکیو (۱۹۹۶) استدلال می‌کنند که به محض شروع کسری بودجه، پس‌انداز ملی، سرمایه‌گذاری و خالص صادرات کاهش و واردات افزایش یافته و جریان موازنه کشور به سمت کسری می‌رود. هم‌چنین این اثرات ایجاد شده به واسطه کسری بودجه، به افزایش در نرخ‌های بهره و ارزش پول در بازار ارز خارجی منجر می‌شود. اگر دولت به سیاست کسری بودجه برای یک دوره متمادی روی آورده و ذخیره‌ای از بدهی را ایجاد نماید؛ در این مورد، اثرات تجمعی کسری بودجه میزان تولید و ثروت اقتصاد را تغییر می‌دهد. در بلندمدت، تولید اقتصاد به ظرفیت تولیدی آن وابسته بوده، که به نوبه خود بخشی از آن توسط ذخیره سرمایه تعیین می‌شود. هنگامی

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که با توجه به ضریب ECM که ۰/۵- تخمین زده شده است، اگر شوکی به رشد اقتصادی وارد شود، حدود ۲ فصل (با توجه به فصلی بودن داده‌های تحقیق) طول می‌کشد تا به روند بلندمدت خویش

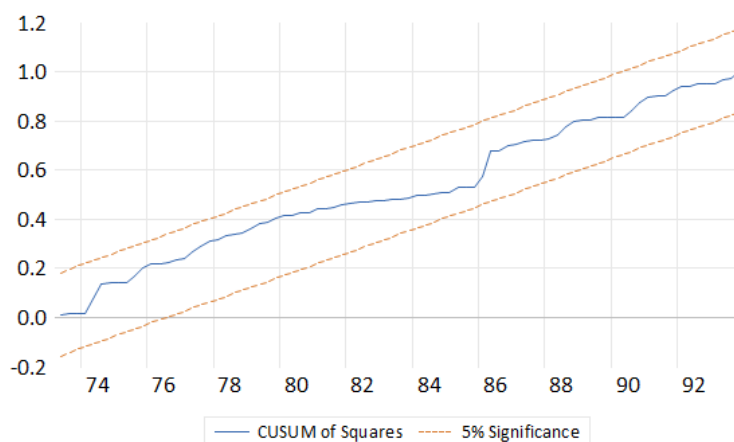
آزمون‌های ثبات ساختاری

آزمون ثبات برای مشخص کردن ثبات مدل و تعیین وجود یا عدم وجود شکست ساختاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای تشخیص این امر، از آزمون‌های مجذور تجمعی و مجموع مجذور تجمعی باقیمانده‌ها (CUSUM) و (CUSUM Q) استفاده می‌شود. برای این منظور، دو حد بالا و پایین در سطح معنی‌داری ۵ درصد نشان داده شده است

که اگر نمودار آماری به دست آمده در محدوده بین این حدود قرار گرفت و آن‌ها را قطع نکرد، می‌توان با سطح اطمینان ۹۵ درصد ادعا کرد که مدل از ثبات لازم برخوردار است و فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود شکست ساختاری پذیرفته می‌شود (تشکینی، ۱۳۸۴). نتایج این آزمون‌ها حاکی از پایداری ضرایب برآوردی دارد و به دلیل قرار گرفتن در فاصله اطمینان ۹۵ درصد، شکست ساختاری در مدل وجود ندارد.



نمودار ۱- نمودار پایداری ضرایب (CUSUMSQ)



نمودار ۲- نمودار پایداری ضرایب (CUSUM)

مثبت و منفی مخارج را می‌توان رد کرد. بنابراین اثر شوک‌ها مثبت و منفی مخارج جاری دولت بر رشد اقتصادی در بلندمدت نامتقارن است.

نتایج آزمون والد برای رابطه بلند مدت مطابق جدول (۸) نشان می‌دهد که در سطح ۵ درصد تساوی ضرایب شوک‌های

آزمون نامتقارنی

جدول ۸- نتایج آزمون والد برای بررسی تقارن شوک‌های مخارج جاری دولت در روش NARDL

$LGE^+ = LGE^-$
مقدار آماره (احتمال)

۰/۱۰۰۰ (۰/۶۵)

منبع: نتایج تحقیق

هم‌چنین نتایج آزمون والد برای رابطه بلندمدت مطابق جدول (۹) نشان می‌دهد که در سطح ۵ درصد تساوی ضرایب شوک‌های مثبت و منفی مالیات را نمی‌توان رد کرد. بنابراین

جدول ۹- نتایج آزمون والد برای بررسی تقارن شوک‌های مالیات در روش NARDL

$LTAX^+ = -LTAX^-$
مقدار آماره (احتمال)
۰/۱۸۶ (۱/۳۷)

منبع: نتایج تحقیق

نتیجه‌گیری

برای برخورداری از رشد اقتصادی بالاتر، بر سیاست مالی مبتنی بر مخارج نسبت به مالیات، تمرکز بیشتری داشته باشد و بهتر است از ابزار مخارج دولت استفاده کند. هم‌چنین در زمینه پیشنهاداتی برای مطالعات آتی شناسایی راهکارهای اجرایی برای رسیدن به وضعیت مطلوب در حوزه سیاست مالی، با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش مورد بررسی قرار بگیرد. با توجه به این‌که پژوهش حاضر در مقطع زمانی خاص انجام گرفته است، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده در فواصل زمانی مختلفی انجام گیرد تا نتایج بهتری حاصل آید و نیز نتایج آن در زمان‌های مختلف با هم مقایسه شود.

منابع

جعفری صمیمی، احمد؛ منتظری شورکچالی؛ گردابی، احمد (۱۳۹۳). تاثیر نامتقارن کسری بودجه بر رشد اقتصادی ایران: شواهدی از الگوی رگرسیون انتقال ملایم (STR)؛ فصلنامه مطالعات کاربردی اقتصاد ایران؛ شماره (۱۲).
خدایی، مهدی؛ جعفری، محمد؛ فتاحی، شهرام (۱۳۹۷). بررسی اثرات سیاست‌های مالی بر رشد اقتصادی در اقتصاد ایران: مدل‌های حالت- فضا؛ فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی؛ شماره (۳۱).
خلیلی عراقی، منصور؛ فرزین‌وش، اسداله؛ صدیقی، حامد (۱۳۹۸). بررسی اثرات متغیر زمانی توسعه مالی بر رشد اقتصادی: مدل TVP-FAVAR.
دژسند، فرهاد؛ بخارایی، ریحانه (۱۳۹۵). بررسی رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران براساس الگوی اقتصاد کلان پساکینزی؛ فصلنامه اقتصاد مالی؛ شماره (۳۴).
دلالی اصفهانی، رحیم؛ محمدی مطلق، محمد (۱۳۹۸). تحلیل تاثیر سیاست‌های مالی توزیعی بین نسلی بر رشد

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثرات سیاست مالی بر رشد اقتصادی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۶۷ (داده‌های فصلی) با رویکرد خود رگرسیون با وقفه‌های گسترده غیرخطی (NARDL) طراحی شده است. سؤالاتی نظیر اینکه سیاست‌های مالی انبساطی و در کنار آن کسری بودجه چه تأثیری بر رشد اقتصادی دارند؟ رابطه بلندمدت اقتصاد کلان بین درآمدها و هزینه‌های دولتی اقتصاد ایران چگونه است؟ از جمله مسائل این پژوهش هستند. به ویژه اینکه آیا افزایش در مخارج یا کاهش مالیات دولتی ممکن است به طور متفاوتی بر اقتصاد تأثیر بگذارد؟ نتایج مدل تحقیق نشان داد که در ایران کسری بودجه اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. به طوری که اگر کسری بودجه به روند خود برای یک یا بیش از یک دهه ادامه دهد، می‌تواند به نحو محسوسی ظرفیت اقتصاد را برای تولید کالاها و خدمات کاهش دهد.

براساس سایر نتایج این مطالعه، شوک‌های مثبت مخارج جاری دولت اثر مثبت و شوک‌های منفی اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. هم‌چنین براساس سایر نتایج این مطالعه، اثرات مخارج جاری دولت بر رشد اقتصادی نامتقارن بوده است، اما این تأثیر بر مالیات متقارن بوده است. بر این اساس سیاست‌هایی که سبب کسری بودجه می‌شوند، می‌توانند تأثیرات منفی بر رشد اقتصادی داشته باشند و باید با احتیاط مورد استفاده قرار بگیرند. بنابراین ضرورت دارد، دولت با اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی صحیح و بودجه‌ریزی دقیق، زمینه‌های مناسبی برای دستیابی به بودجه متوازن و متعادل را پدید آورده و به تبع آن، موجب رشد اقتصادی شود. هم‌چنین با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود دولت

Hassan, Md, Ayesha, A (2014). Budget deficit and economic growth of Bangladesh: A VAR-VECM approach.

Jones, L.E, Manuelli, R.E (2005). Neoclassical models of endogenous growth: the effects of fiscal policy, innovation and fluctuations, *Handb, Econ, Growth 1A*.

Khalot, F (2004), *The Role of Fiscal Policy in Achieving Economic Stability and Growth in the Developing Countries under Current International Developments*. M.A dissertation, Faculty of Law and Economics, Baskara: Mohammad Kheder.

Larbi, D (2012). The long term impact of budget deficits on economic growth in Ghana, *Journal of Business Research*.

Lee, Y, Gordon, R (2005). Tax structure and economic growth, *J. Public Econ*.

Lin Oo, T (2019). The Effect of Fiscal Policy on Economic Growth in Myanmar, *East Asian Community Review*.

Maji, Abu, Joseph, A (2012). The impact of fiscal deficits on economic growth in Nigeria, *International Business and Management*.

Piketty, T, Saez, E, Stantcheva, S (2014). Optimal taxation of top labor incomes: a tale of three elasticities, *Am. Econ. J*.

Qabbor, N.A (2008). *The Role of Fiscal Policy on Economic Growth: Algeria as a Model (1994-2004)*, M.A. dissertation, Faculty of Economics, Farahat Abbas University, Algeria.

Rahman, N (2012). The relationship between budget deficit and economic growth from Malaysia's perspective: An ARDL approach, In *International conference on economics, business innovation*.

Ramey, V.A (2011). Identifying government spending shocks: it's all in the timing, *Q. J. Econ*.

Swe, Thiri (2015). Impact of inflation and fiscal deficit on economic growth of Myanmar (unpublished master thesis), Tokyo: National Graduate Institute for Policy Studies.

Zoto, Oltjana, Madalena. B (2016). Budget Deficit and Economic Growth in Albania. In *International journal of engineering sciences and research technology*.

اقتصادی ایران؛ چهارمین کنفرانس ملی در مدیریت؛ حسابداری و اقتصاد با تاکید بر بازاریابی منطقه‌ای و جهانی؛ تهران دانشگاه شهید بهشتی.

شهبازی، کیومرث؛ سعیدپور، لسیان (۱۳۹۲). تأثیر آستانه‌ای توسعه مالی بر رشد اقتصادی در کشورهای D-8؛ فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی؛ شماره (۱۲).

نظیفی، فاطمه (۱۳۸۳). توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران؛ فصلنامه پژوهش‌نامه اقتصادی؛ شماره ۳.

هومانی فراهانی، محمد؛ شهبازی، کیومرث؛ فعالجو، کیومرث (۱۳۹۷). بررسی تأثیر غیرخطی توسعه مالی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی در کشورهای عضو دی هشت؛ فصلنامه تحقیقات اقتصاد کشاورزی؛ شماره (۳۸).

Abel, A. Ben S & Dean C (2014). *Macroeconomics*, 8th ed, Pearson.

Ahmad, F, Benazir, R (2017). The relationship between budget deficit and Economic Growth: A study on Bangladesh, *ASA Univ, ersiony Review (Vol. 11, No. 2)*.

Arjomand, M, Karim, E, Salimi, M (2016). Growth and productivity, the role of budget deficit in the MENA selected countries, *Procedia Economics and Finance 36: 345-352*.

Barro, R.J (1990). Government spending in a simple model of endogenous growth, *J. Polit, Economy*.

Ben Bouzian, M, Chibi, A, Shokori, S.M (2007). *Macroeconomic Effects of Fiscal Policy Shocks in Algeria: An Applied Study*, Research paper, Faculty of Economics, Abi Bakr Bal Gayed University, Talmsan, Algeria.

Bernheim, B (1989). A neoclassical perspective on budget deficits, *Journal of Economic Perspectives*.

Chibi, A, Bataher, S (2010). Effective Fiscal Policy in Algeria: Analytical and Econometric Comparison, *Development and Economic Policy Journal*.

Chigbu, E, Peter, L (2014). Fiscal policy in Europe: the importance of making it predictable, *Econ, Model*.

Fatima, G, Ahmed, M, Ur Rehman, W (2012). Consequential Effects of Budget Deficits on Economic Growth of Pakistan, *International Journal of Business and Social Sciences*.

یادداشت‌ها

- ^۱Abel et al
^۲Lin Oo
^۳Swe
^۴Solow
^۵Barro
^۶Jones and Manuelli
^۷Ramey
^۸Piketty et al
^۹Lee and Gordon
^{۱۰}Rivas
^{۱۱}Nonlinear ARDL
^{۱۲}Chibi and Bataher
^{۱۳}Ben Bouzian
^{۱۴}Khalot
^{۱۵}Bernheim
^{۱۶}Zota and Berisha
^{۱۷}Abel et al
^{۱۸}Maji and Achegbulu
^{۱۹}Fatima et al
^{۲۰}Rahman
^{۲۱}Arjomand et al
^{۲۲}Likewise et al
^{۲۳}Lin Oo
^{۲۴}Atkinson and Stern
^{۲۵}Poterba et al
^{۲۶}Ocran
^{۲۷}Easterly and Rebelo
^{۲۸}Li and Sarte
^{۲۹}Kneller
^{۳۰}Kim
^{۳۱}Emran and Estiglitz
^{۳۲}Mendoza, Milesi-Ferretti, and Asea
^{۳۳}Harberger
^{۳۴}Chigbu and Peter
^{۳۵}Shin et al
^{۳۶}Banerjee
^{۳۷}Narayan
^{۳۸}Alam, M.I. & R.M. Quazy